

## حق تلخ بین تا چه شیرین بگفت (اندرزهای هنرمندانه سعدی به حاکمان)

لیلا رستگاریک

### چکیده

سعدی این شاعر بلند آوازه شیرین سخن، در آثار بی نظیری که از خود بجا گذاشته است، سعی کرده به عنوان یک معلم اخلاق، مصلح و روشنفکر، در حکایتهای حکیمانه خود بار دیگر روح زندگی، نشاط، امید و عشق را در کالبد نیمه جان مردمان ستم دیده، ناامید و افسرده دوران حاکمیت ظالمانه مغول بدمد؛ بدین منظور از یک طرف با نفوذ در دستگاه حکومت، حاکمان و قدرتمندان را از ظلم و ستم بر حذر می دارد و از سوی دیگر مردمان را به سوی زندگی شرافتمندانه و با نشاط فرا می خواند و در این کار بزرگ موفق می شود به گونه ای که از حاکم مستبد خوانخوار مغول، یک مسلمان و حاکم نیک اندیش می سازد؛ عناوین بابهای بوستان و گلستان بخوبی گویای همین مطلب است: اگر جایی از عدل و تدبیر و رای و سیرت پادشاهان می گوید، در جای دیگر به بیان عشق و شور و مستی می پردازد؛ بهر حال تأثیر فرهنگی و ادبی کلام سعدی تا آنجاست که هر کس با هر فرهنگ و درک و سلیقه می تواند از دریای کلام سعدی بهره کافی ببرد و این گستره از مردم عادی کوچه بازار گرفته تا سیاستمداران و حاکمان جهان را در بر می گیرد، لذا هدف ما در این مقاله بررسی سخنان و اندرزهای سعدی به حاکمان وقت می باشد؛ بدین منظور با روش کتابخانه ای و تکنیک تحلیل محتوا، ضمن معرفی و بررسی اجمالی آثار منثور سعدی، به مقایسه سخنان شیخ بخصوص در دو اثر ایشان: نصیحه الملوک و رساله «در نصیحت انکیانو» (که کمتر مورد توجه قرار گرفته)، می پردازیم.

**کلمات کلیدی:** سعدی، عشق، زندگی، نصیحت، حاکمان.